

حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار

دکتر گودرز افتخار جهرمی*

چکیده

حق بر محیط زیست سالم یکی از حقوق بشری است. این حق نه تنها از مصادیق برجسته حقوق همبستگی است که در نسل سوم حقوق بشر مقوله‌بندی می‌شود بلکه همچنین لازمه تحقق بسیاری از حق‌های بشری مدنی و سیاسی یا اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. با این حال، ایفای حق یاد شده مستلزم سطحی از توسعه است که به نوبه خود زمینه تخریب بیشتر محیط زیست را فراهم می‌آورد. از این رو جامعه بین‌المللی از دهه نود میلادی به این سو ترویج ایده «توسعه پایدار» را در کلیه سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار خود قرار داده است.

کلید واژگان

اعلامیه استکهلم، اعلامیه ریو، حقوق بشر، حقوق محیط زیست، توسعه پایدار، حقوق همبستگی.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

هدف از نگارش این مقاله، تبیین رابطه بین حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار است. به عبارت دیگر می‌خواهیم نشان دهیم چگونه توسعه پایدار مستلزم حفاظت از محیط زیست در سپهر حقوق بشر است. امروزه بدون تردید توسعه در مفهوم نو آن یعنی توسعه‌ای پایدار در کنار حقوق بشر به نحوی که حفاظت از محیط زیست از مصادیق بارز همبستگی بین‌المللی تلقی شود، بنظر می‌رسد اولین سند بین‌المللی که از رابطه حفاظت محیط زیست، توسعه و حقوق بشر به صورت روشن سخن به میان آورده، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ می‌باشد. بیست سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، قطعنامه شماره ۲۳۹۸ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تشکیل کنفرانس جهانی در خصوص «محیط زیست انسان» را پیش‌بینی کرد. پس از کارهای مقدماتی و کارشناسی فراوان، کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست از ۱۶ تا ۱۵ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل گردید. ویژگی بارز این کنفرانس، حمایت جهانی فوق‌العاده از آن بود. حضور ۶۰۰۰ نفر از جمله نمایندگان ۱۱۳ دولت، تقریباً نمایندگان کلیه سازمان‌های بزرگ بین‌المللی و ۷۰۰ ناظر از ۴۰۰ سازمان غیر دولتی و ۱۵۰۰ روزنامه‌نگار در این کنفرانس، آن را به بزرگترین رویداد بین‌المللی عصر خود تبدیل نمود.

به برکت این کنفرانس اسناد متعددی تصویب شد که از جمله آن‌ها باید از اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست (مشهور به اعلامیه استکهلم) حاوی یک مقدمه و ۲۶ اصل و یک «برنامه عمل» مشتمل بر ۱۰۹۸ توصیه، نام برد. جایگاه اعلامیه استکهلم در حوزه حقوق محیط زیست و بصورت ضمنی در حوزه توسعه، به مانند ارزش اعلامیه جهانی حقوق بشر در حوزه حقوق بشر و حقوق بنیادین است. ویژگی مهم کنفرانس و اعلامیه استکهلم طرح مسئله و روش‌های حفاظت از محیط زیست به صورت جامع، در ارتباط با توسعه در بستر حقوق بشر بود. در اصل نخست این اعلامیه آمده است:

«انسان باید از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار باشد. انسان مسئول حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده است.»^۱

بیست سال بعد، در امتداد کنفرانس استکهلم و اقدامات و اسناد بعدی^۲ و برای رفع کمبودها و مشکلات جدید کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در ژوئن ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو (برزیل) برگزار و طی آن بر ارتباط تنگاتنگ و استوار محیط زیست به عنوان «دو چهره یک معضل در برابر انسان» تاکید شد. اعلامیه ریو در ۲۷ ماده و مقدمه‌ای در ۶ بند بر سه بنیاد اساسی استوار است:^۳

تایید کامل نسبت به اعلامیه استکهلم و لزوم استمرار راه آن؛ تجدید روابط بین‌المللی بر اساس انصاف به منظور ایجاد یک همکاری جهانی واقعی؛ و پذیرش وحدت و یکپارچگی زمین به عنوان «خانه انسان» و تاثیر متقابل همه چیز در آن.

در مقایسه با اعلامیه استکهلم اعلامیه ریو با روشنی و قطعیت بیشتری به رابطه متقابل و استوار حفاظت از محیط زیست با توسعه اقتصادی برای دستیابی به توسعه پایدار در بستر

۱. برای مشاهده ترجمه کامل متن اعلامیه استکهلم نک. اردشیر امیر ارجمند، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴، صص ۴۲۵-۴۲۱.

۲. در مورد فعالیتها، اسناد و توسعه قواعد حقوق بین‌الملل در حوزه حفاظت از محیط زیست در دهه ۱۹۸۲-۱۹۷۲ نک.

Ch.A.kiss. "Dix ans après Stockholom. Une decennie de droit international de l'environnement". AFDI/1982, pp. 290-293.

۳. برای تحلیل برخی ابعاد حقوقی اعلامیه ریو نک:

Foo kim Boon. "The Rio declaration and its influence on international environmental law", Singapore journal of legal studies, 1992, pp.345-364.

حقوق بشر تاکید شده است. در این اعلامیه توسعه پایدار در گرو حفاظت از محیط زیست و حمایت از حقوق بشر به عنوان مجموعه‌ای تفکیک ناپذیر شناخته شده است،^۴ «انسان‌ها موضوع اصلی و دلمشغولی اساسی توسعه پایدار بوده و حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت برخوردار باشند». (اصل اول)، تحقیق عینی چنین اصلی تنها با شناسایی حق بر توسعه (اصل سوم) از یک سو و ادغام حفاظت از محیط زیست با روند توسعه (اصل چهارم) از سوی دیگر امکان‌پذیر است. بدین منظور برحق حاکمیت دولت‌ها و بهره‌برداری از منابع خود برای دستیابی به توسعه تاکید می‌گردد (اصل دوم).^۵ بعلاوه تحقق توسعه پایدار مستلزم فقرزدایی (اصل پنجم)؛ تعدیل یا محو شیوه‌های تولید و مصرف ناپایدار و مضر به محیط زیست انسانی است. (اصل هشتم) این اعلامیه با تاکید بر شرایط و نیازهای خاص کشورهای فقیر (اصل ششم) و با توجه به سهم متفاوت دولت‌های پیشرفته و توسعه نیافته در تخریب محیط زیست، برای کلیه دولت‌ها مسئولیتی مشترک ولی متفاوت قائل می‌گردد (اصل هفتم). در این اعلامیه بر نقش اساسی و حیاتی جوانان، زنان و اقوام بومی در مدیریت توسعه محیط زیست اشاره شده (اصول بیست و نهم و بیست و دهم) و حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی اقوام تحت سلطه مورد تایید قرار گرفته است (اصل بیست و سوم). اصل دیگری از اعلامیه تأثیرات صلح بر توسعه و حفاظت از محیط زیست و ضرورت اجتناب از جنگ، لزوم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات را یادآور گردیده (اصل بیست

۴. جهت مشاهده ترجمه کامل متن اعلامیه ریونک. اردشیر امیر ارجمند، پیشین، صص ۴۳۶-۴۳۰.

۵. این اصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست تحت عنوان «اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین» معروف است. بر این اصل در آراء مختلف داوری و دادگستری بین‌المللی تاکید شده است (نک. رضائی قوام آبادی، محمد حسین، نگاهی به اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست)، فصلنامه علوم محیطی، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۷۳-۵۷.

تا بیست و ششم) و از دولت‌ها خواسته است با سرعت بخشیدن به روند تبادل اطلاعات و انتقال دانش فنی و ایجاد یک سیستم اقتصادی سالم با یکدیگر همکاری موثر نمایند (اصول نهم، دوازدهم و بیست و هشتم).

در این مقاله نخست درباره تحول حقوق بشر و شناسایی حق‌های جدید و سپس در مورد حق برخورداری از محیط زیست سالم و پس از آن از حق برخورداری از توسعه و بالاخره از توسعه پایدار، توزیع عادلانه ثروت، امکانات و مواهب زیست محیطی بین اعضای ملت‌ها و نسل‌ها سخن گفته می‌شود.

الف- تحول حقوق بشر و شناسایی حق‌های جدید

در نگاهی کلی بر تحولات حقوق بشر از زمان تبدیل آن به مفهومی جامع (و نه یک دسته از مفاهیم مجزا و متفرق) یعنی از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، مشاهده می‌شود که حقوق بشر در ابتدا تقریباً منحصر به حقوق مدنی و سیاسی بوده است. ویژگی مقوله اول یا نسل اول حقوق بشر یعنی «حقوق آزادی‌ها» جنبه سلبی آن یعنی عدم مداخله دولت است. بعد از انقلاب مکزیک و روسیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یعنی «حقوق برابری» به تدریج مورد شناسایی قرار گرفته و از کالبدی حقوقی، در نظام‌های داخلی و بین‌المللی بهره‌مند شد. ویژگی نسل دوم حقوق بشر، جنبه ایجابی آن یعنی تلاش دولت برای ایجاد امکانات و زمینه‌های لازم جهت برخورداری شهروندان از حقوق و آزادی‌های خود می‌باشد.

از شعار آزادی، برابری، برادری انقلاب فرانسه، حقوق مربوط به برادری با تاخیر قابل ملاحظه‌ای نسبت به دو مقوله اولی مورد توجه قرار گرفت. شناسایی این حقوق و ایجاد کالبد حقوقی برای آن‌ها در حقوق داخلی کشورها و حتی نظام بین‌المللی با مقاومت دشواری روبرو گردید. با وجود این در سه دهه اخیر این پرسش به تدریج با قوت بیشتری

مطرح گردیده است که آیا نباید در جهت داشتن حقوق بشری مبتنی بر برادری و همبستگی ضروری و آشکار انسانی حرکت کرد. ظهور آثار منفی ناشی از فرایند جهانی شدن، پاسخ به این سؤال را فوریت بخشیده و به نظر می‌رسد برای بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌های خلق شده و مقابله موثر با تهدیدات ناشی از جهانی شدن، شناسایی، محتوابخشی و تضمین نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق همبستگی ضرورتی انکار ناپذیر یافته باشد.

متون مقدماتی کنفرانس آرماند هامر (Armand Hammer)^۶ و بنیاد بین‌المللی حقوق بشر به این سؤال که چرا باید به دنبال نسل سوم حقوق بشر باشیم چنین پاسخ داده است: «برخی دلمشغولی‌های کهنه جهانی امروز ویژگی فوری یافته و روند قاعده‌گذاری در زمینه حقوق بشر نیز نسبت به آن‌ها تاثیرپذیری خاصی از خود نشان می‌دهد. این حقوق نه ناشی از سنت فردگرایی نسل اول و نه ناشی از سنت سوسیالیستی نسل دوم بوده بلکه ریشه در یک نظام حقوقی با تحرک خاص دارد که در آن شاهد ظهور قواعدی هستیم که گاهی ادامه مفاهیم قدیمی و گاهی تفسیر ابعاد جدید نظم اجتماعی می‌باشد». در مقایسه با دونسل قبلی حقوق بشر، ویژگی حقوق همبستگی (حق بر محیط زیست سالم، حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر میراث مشترک بشریت) این است که تامین این حقوق علاوه بر آنکه مستلزم عدم مداخله دولت (در امر آزادی) و نیز نیازمند مداخله ایجابی دولت (برای تامین

^۶. برای مشاهده متن فرانسوی پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی نک: "Etudes et essays sur le droit international humanitaire et les principes de Croix-Rouge", en l'honneur de Jean PICTET. CICR, Martinus Nijhoff, Geneve. La Haye, 1984, pp. 846- 850.

امکانات) می‌باشد،^۷ تجمع همه امکانات و تلاش‌های همبسته و هدفمند همه نقش‌پردازان در این عرصه (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و حقوق عمومی و افراد) را نیز می‌طلبد.

ب- حق برخورداری از محیط زیست سالم

حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق بهره‌مندی از توسعه که تحقق همزمان آن‌ها مستلزم توسعه پایدار است، یکی از جلوه‌های حیثیت و کرامت انسانی تلقی می‌گردد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده می‌باشد. خوشبختانه حق داشتن محیط زیست سالم امروز دیگر صرفاً یک آرزوی دست نیافتنی نیست، بلکه پس از حدود چهل سال تلاش مداوم سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مجامع علمی به حقی کاملاً شناخته شده در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تبدیل گردیده است. در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان به اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲)، اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، ماده ۲۴ منشور آفریقا حقوق بشر (۱۹۸۱)، ماده ۱۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۸۸)، ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در خصوص قبائل و اقوام بومی (۱۹۸۹) و بسیاری از اسناد دیگر اشاره کرد.

^۷ در مورد نسل سوم حقوق بشر و رابطه حق بر محیط زیست با سایر حقوق بشر نک:

M.A.Mekouar, "Le droit à l'environnement dans ses rapports avec les autres droits de l'homme", UNESCO, paris, 1987, pp. 91-105.

Karel Vasak, "Pour une troisième génération des droits de l'homme", In: "Etudes et essais sur le droit international humanitaire et sur les principes de la Croix- Rouge", op.cit p. 859 et s.

به موازات شناسایی حق برخورداری از محیط زیست در عرصه بین‌المللی، شاهد هستیم که این حق در قوانین داخلی کشورها نیز بیش از پیش مورد شناسایی قرار گرفته و در غالب قوانین اساسی که بعد از ۱۹۷۰ تصویب یا اصلاح کلی شده‌اند مورد توجه واقع شده است، علاوه بر قوانین اساسی و قوانین داخلی، قوانین مربوط به برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز در بسیاری از کشورها راه کارهای تحقق این حق را پیش‌بینی کرده است. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شناسایی این حق پرداخته است. در پرتو حق داشتن محیط زیست سالم، افراد و اجتماعات بشری، حق دارند از محیط زیستی سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند و دولت‌ها نباید شرایط حیات را دچار تغییرات نامساعدی نمایند که سلامت و بهزیستی جمعی را مورد مخاطره قرار دهد. حق داشتن محیط زیست سالم حداقل دارای چهار جزء می‌باشد.^۸

(۱) حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

به موجب این حق هر فردی امکان خواهد داشت با رعایت قوانین و مقررات کشور خود به صورت فردی یا همراه با افراد دیگر در قالب یک تشکل اجتماعی مثلاً سازمانی غیر دولتی در اتخاذ تصمیماتی که مستقیماً مربوط به محیط زیست او می‌گردد مشارکت نماید.

(۲) حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

به موجب این حق کلیه موسسات عمومی موظفند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط زیست و اقدامات موثر بر آن را در اختیار شهروندان قرار دهند.

۸. در مورد مؤلفه‌های حق بر محیط زیست سالم نک:

Pascale Kromarek, "Environnement et droits de l'homme", paris, UNESCO. 1987, Pp. 29-37, 39-50 et 51-63.

شایان یادآوری است که ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط زیست سالم عمدتاً فقط هنگامی ممکن می‌گردد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند. در اینجا یادآوری دوباره این مسئله ضروری است که حق برخورداری از محیط زیست مانند سایر حقوق صرفاً موجه حق برای شهروندان نبوده بلکه با الزامات و تکالیفی برای ایشان به صورت فردی و گروهی ملازمه دارد.

۳) حق آموزش‌های محیط زیستی

به موجب این حق دولت موظف به ایجاد تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از تکنولوژی‌های پاک می‌باشد. این آموزش و فرهنگ سازی باید در کلیه سطوح اعم از آموزش رسمی (مدرسه‌ای و دانشگاهی) و غیر رسمی (آموزش برای عموم) صورت گیرد.

۴) حق دادخواهی زیست محیطی

برای اینکه حق برخورداری از محیط زیست تحقق عینی یابد باید از ضمانت اجرای کافی برخوردار بوده و قابلیت دادخواهی داشته باشد. به عبارت دیگر افراد و سازمان‌های غیر دولتی بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به ویژه قضایی شکایت نمایند.

ج- حق برخورداری از توسعه

حق برخورداری از توسعه نسبت به حق داشتن محیط زیست سالم از استحکام و قوام کمتری برخوردار است.^۹

۹. در مورد حق بر توسعه به مثابه حق بشری نک:

اولاً، شناسایی این حق در عرصه بین‌المللی و داخلی با مقاومت بیشتری مواجه بوده است. در عرصه بین‌المللی، این حق مسئولیت‌های سنگینی بر عهده کشورهای توسعه یافته در قبال کشورهای در حال توسعه قرار داده و واکنش‌های منفی یا حداقل محتاطانه برخی کشورهای توسعه یافته انجامیده است. در عرصه داخلی، دولت‌ها اساساً مسئول تحقق حق بر توسعه شناخته شده و این امر موجب اکراه و بی‌میلی دولت‌ها و به ویژه دولت‌های ناکارآمد در شناسایی این حق گردیده است.

ثانیاً حدود و محتوای این حق کاملاً مشخص نبوده یا حداقل قابل مناقشه و بحث است. ثالثاً، در قوانین داخلی کشورها تدابیر جدی برای قابل دادخواهی بودن این حق به صورت مستقل اتخاذ نگردیده و لذا غالباً باید از ساز و کارهای مربوط به سایر حق‌های بشری که شناخته‌تر شده‌اند باید استفاده شود.

به نظر می‌رسد برقراری ارتباط بین توسعه و موازین حقوق بشر، اولین بار پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، توسط وزیر امور خارجه سنگال در سال ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت پذیرفته است. کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم موجب شکل‌گیری مفهوم توسعه پایدار گردید و سپس در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بحث بر خورداری از توسعه به صورت پراکنده در سازمان ملل متحد مطرح شده و نهایتاً در قطعنامه ۳۶/۱۲۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۱ به صورت رسمی در کنار سایر حقوق بشر و حق‌های شهروندی مورد اشاره قرار گرفته است. پس از حدود بیست سال تلاش، نهایتاً مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۱/۱/۲۸ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ اعلامیه حق بر توسعه را تصویب نمود. این اعلامیه، منشور

Russel Lawrence Barsh, "The Right to Development as a Human Right: Results of the global consultation", Human Rights Quarterly, 13 (1991), Pp. 322-338.

حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) را تحت تاثیر قرار داده و حق بر توسعه را مکمل و جزء لاینفک حقوق بشر قلمداد نموده است. وفق ماده یک این اعلامیه حق برخورداری از توسعه حق غیر قابل انکار بشری است که به موجب آن هر فرد انسان، به صورت منفرد و در قالب اجتماعات بشری از حق شرکت و مشارکت در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار بوده و همه باید از مواهب توسعه، بنحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تضمین شود، بهره‌مند گردند.

حق بر توسعه در عین حال مستلزم حق انسان‌ها بر تعیین سرنوشت و اعمال حاکمیت خود بر تمامی منابع و ثروت‌هایشان می‌باشد. در مورد حق بر توسعه نکات زیر شایان یادآوری است.

- انسان محور اصلی توسعه است و باید در آن مشارکت فعال داشته و از منابع و مواهب آن برخوردار گردد.

- همه افراد به صورت فردی و جمعی مسئول تحقق توسعه می‌باشند.

- مسئولیت سیاست‌گذاری جهت بهبود مستمر وضع زندگی و بهزیستی تک‌تک افراد و همه مردمان با دولت‌هاست.

- مسئولیت اساسی برای ایجاد شرایط ملی و بین‌المللی لازم جهت تحقق حق بر توسعه بر عهده دولت‌هاست.

- تحقق حق برخورداری از توسعه مستلزم رعایت مقررات بین‌المللی در خصوص همکاری‌های بین‌المللی و روابط دوستانه می‌باشد.

- برای تضمین توسعه و رفع موانع موجود دولت‌ها مکلف به همکاری با یکدیگرند و باید در جهت ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی عادلانه تلاش کنند.

- دولت‌ها باید کلیه موانع ناشی از نقض حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مرتفع نمایند.
- توسعه در این راستا، به معنای ارتقاء همه جانبه و مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و هماهنگ با طبیعت است.
- توسعه چند هدف را دنبال می‌کند:
- ارتقای سطح کمی و کیفی دسترسی به کالا و خدمات (اعم از مادی و معنوی) و ارتقای سطح زندگی.
- گسترش دامنه انتخاب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افراد و ملت‌ها.
- حفظ محیط زیست و طبیعت.
- لذا، در امر توسعه سه راهبرد مهم مورد توجه قرار می‌گیرد:
- راهبرد حفاظت، احیاء و بهبود محیط زیست (آب، خاک، هوا، تنوع زیستی و ...)
- راهبرد بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بهبود بهداشت، آموزش و پرورش، تربیت بدنی، مشارکت سیاسی و ...
- راهبرد تولید پایدار: توسعه باید از تعادل و تناوب برخوردار باشد و با دو استراتژی قبلی یعنی حفاظت از محیط زیست در بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی هماهنگ بوده و رشد کمی و کیفی تولیدات صنعتی و کشاورزی را به دنبال آورد.

د- توسعه پایدار، توزیع عادلانه ثروت، امکانات و مواهب زیست محیطی بین اعضای ملت‌ها و نسل‌ها

تحقق حق برخورداری از توسعه و محیط زیست سالم عنوان حق‌های بشری در گروه سازوکار موثری به نام توسعه پایدار است.^{۱۰} این پیشنهادی است که گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مشهور به آینده مشترک ما (۱۹۸۷) برای آشتی نقطه نظرات کشورهای جنوب و شمال در خصوص نقش محیط زیست و رابطه آن با توسعه اقتصادی ارائه نموده است. بجای تقابل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست باید سیاست‌های جدیدی را دنبال کرد که در آن‌ها با رعایت همه حق‌های بشری حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. در این سند، توسعه پایدار «توسعه‌ای است که نیازهای کنونی ما را برآورده می‌سازد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در ارضای نیازهای خود محدود یا ناممکن سازد.» بنابراین در توسعه پایدار دو مولفه مورد توجه قرار می‌گیرد.

- برآوردن نیازهای اساسی انسان‌ها، بویژه افراد و ملت‌های فقیر.

- توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه به فشارهای ناشی از سازمان‌های اجتماعی و وضعیت تکنولوژی بر محیط زیست. بدین ترتیب می‌توان گفت هر نسل برای تامین منافع و رفاه خود فقط مجاز به استفاده از روش‌ها و منابع طبیعی و رویارویی با محیط زیست تا حدی است که سبب تضعیف توانایی‌های نسل‌های آینده در ارضای نیازهایشان نشود.

۱۰. در خصوص رابطه بین توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست نک:

w. Lafferty, "Toward Sustainable Development: the Goals of Development and Conditions of Sustainability", Mc Millan press, London, 1998.

لانک هلیف، «توسعه پایدار و درنگی در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» ترجمه جمال محمدی، مجله راهبرد، جلد ۱ شماره ۲، ۱۳۸۴، صص ۴۱۷-۳۸۵.

در این راستا اعلامیه ریو ۱۹۹۲ مقرر می‌دارد: «حق برخورداری از توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده را ملحوظ و تامین نماید.» (اصل سوم) برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد. با تشکیل کمیسیون توسعه پایدار وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، مشاهده می‌شود که ارجاع به مفهوم توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی بسیار رایج و متداول گردیده است. اعلامیه ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار و برنامه عمل اجلاس جهانی توسعه پایدار جایگاه این مفهوم را در عرصه بین‌المللی تحکیم بخشیده است. اعلامیه ژوهانسبورگ اعلام می‌نماید: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست سه بنیاد اساسی وابسته و مکمل توسعه پایدارند. کثرت و استمرار ارجاع به این مفهوم در اسناد بین‌المللی موجب گردیده است که برخی آن را یک اصل عمومی حقوق بین‌الملل تلقی نموده یا حداقل آن را تجلی جهان شمولی یک اعتقاد حقوقی و کلی (opinio juris) بدانند. به توسعه پایدار در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اشاره شده است. «مفهوم توسعه پایدار ترجمان ضرورت آشتی بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است.»^{۱۱} در واقع، «محیط زیست امری انتزاعی نیست، بلکه فضایی است که افراد انسانی در آن زندگی می‌کنند و کیفیت حیات و سلامت آن‌ها و نسل‌های آینده به آن وابسته است.»^{۱۲}

علاوه بر اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، توسعه پایدار مفهومی بسیار رایج و موکد در اسناد و موازین حقوقی داخلی بویژه اسناد مربوط به برنامه‌های اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و زیست محیطی است. در این رابطه می‌توان از جمله به قوانین برنامه

11. CIJ, arret du 25 septembre 1995, affaire Gabcikovo-Nogymaros , §140.

12. Recueil CIJ 1996, p. 241-242, §29.

توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دوم، سوم و چهارم جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

نتیجه گیری

در پایان این سئوال مطرح می شود که برای دستیابی به توسعه پایدار به مفهوم برقرار کردن آشتی بین توسعه و حفاظت از محیط زیست در بستری حقوق بشری با رعایت همه حق ها و آزادی های بشری چه اقداماتی می توان و باید انجام داد. به نظر می رسد مهمترین تدابیر و اقدامات قابل انجام در این زمینه به قرار زیر است:

- استفاده از سازوکارهای آموزشی توسعه پایدار در گرو توسعه دانش و افزایش آگاهی های عمومی و فرهنگ سازی است. لذا تحول نظام و سمت و سوی آموزش و پرورش برای پشتیبانی از توسعه پایدار لازم است.

- تغییر الگوهای ناپایدار تولید و مصرف (یعنی الگوهایی که موجب خسارت به محیط زیست، آلودگی و افزایش بی رویه مصرف می گردند). این تغییر الگو می تواند با صرفه جویی در استفاده از منابع تجدیدناپذیر، استفاده از فناوریهای سازگار با محیط زیست در امر تولید و استفاده بهینه از منابع صورت گیرد.

- فقر زدایی، فقر خود می تواند موجب رفتارهای ناسازگار با محیط زیست گردد.

- تدابیر اقتصادی مانند ایجاد هماهنگی بین رشد اقتصادی و اثرات زیست محیطی،

کمک های مالی بلاعوض در این زمینه در سطح داخلی و بین المللی.